

تبدیل

خزانه همایونی عثمانی به موزه عمومی

در دوره سلاطین عثمانی تماشای خزانه همایونی جز برای عده صاحبان جاه و نفوذ میسر نبود، زیرا در آن ایام تماشای این آثار جلیله و کنوز گران بها منوط بحصول اجازه از شاه بود و بدیهی است که تحصیل چنین اجازه جز برای اشخاص بانفوذ ممکن نیست

حکومت جوان ترکیه که هرچیز را از ملت دانسته و برای ملت میخواهد برای اینکه عموم مردم بتوانند از تماشای آن آثار بی نظیر تاریخی که خون بهای پدران آنهاست محفوظ شوند خزانه همایونی را به موزه عمومی تبدیل ساخته است

دوسال قبل قصور: بغداد، مجیدیه، دائرة دارالعاده، دائرة قیشانی، دائرة قبه باقصور دیگری که از ملحقات قصور فوق است به موزه عمومی اختصاص دادند، چندی قبل قصر طوب قیو که از قصور مشهوره است به آنها ضمیمه نمودند

کارکنان دوائر مدت زیادی با کمال جدیت مشغول ترتیب و تنظیم محتویات خزانه همایونی بوده که بتوانند با طرز شیوائی آنها بمعرض استفاده و تماشای عموم بگذارند و آخر الامر بطور دلخواه این مقصود را انجام داده چندی پیش دو سالون از قصر فاتح (۱) با وضع خیلی زیبائی آراسته و برای تماشای عموم حاضر نمودند. سالون سومی نیز بهمین زودی حاضر خواهد شد، و اگر بدین منوال کار کنند احتمال دارد که قبل از انتهای سال کلیه محتویات خزانه را مرتب کرده بمعرض تماشای مردم بگذارند

قصریکه فعلا موضوع مقاله ما است و محتوی نادرترین آثار سلاطین عثمانی است از بناهای سلطان محمد فاتح است که خود آن سلطان آن را به آثار نادره اختصاص داده است

اخلاف او تا زمان عبد العزیز هر کدام رویه جد بزرگوار خود را تعقیب کرده و هر گونه اثر ذیقیمتی که در فتوحات خود بدست میاوردند ضمیمه خزائن آن قصر مینمودند

سلطان عبد العزیز بخیال تجزیه و مرتب کردن آن آثار افتاد و عدّه متخصّص را مأمور نمود که یادکار هر پادشاهی را جدا گانه و در جای علیحده مرتب کنند؛ بعد از آن البسه و تحف و آثار هر سلطانی از دیگری مفروز و ممتاز گردید

اداره موزه ترکیه تصمیم گرفته که آثار سلاطینی که از بدو قیام این خانواده تا مراد ثانی سلطنت کرده اند به موزه شهر «بروسه» که پایتخت و مقر پادشاهان مزبور بوده اختصاص دهد و لذا فقط آثاریکه از زمان سلطان محمد فاتح تا روزگار محمود ثانی جمع آوری شده به موزه اسلامبول اختصاص خواهد داد

اما یادکارهای بعد از محمود ثانی هنوز در جاهای خود باقی و به خزانه همایونی انتقال نیافته است

دائره که از قصر فاتح تا کنون رسماً مفتوح شده عبارت از دو سالون باشکوه متصل بهم است

همینکه انسان وارد صحن این دو سالون شد و چشمش به آن آثار تاریخی افتاد مجدد عظمت سلاطین عثمانی و تعین و خوش گذرانیهای خارق - العاده آنها را برای العین مشاهده مینماید

اول مرتبه که شخص وارد میشود از پشت قفس هائی که دست چپ واقع است چشمش به تمثال محمد فاتح می افتد که با همان وضع و البسه آن زمان او را مجسم ساخته اند؛ البسه او عبارت است از جبه و کمر بند و عامه حریر مرصع بجواهر و الماس های گران بها بعلاوه تاج مرصع او نیز بالای سرش آویزان، و يك خنجر مرصعی نیز در کمر دارد، و رویهم رفته وضع و لباس این پادشاه ساده و دور از تجمل و آرایش است ولی مع هذا خنجری که بکمر دارد بواسطه احجار و جواهر کریمه که بر آن ترصیع شده قیمت آن از حد تصور خارج است، این خنجر در عهد خود او

بکلی ساده و عاری از هر گونه زخرفی بوده است، ولی بطول ایام اخلافتش به درجه آنرا ترصیع کرده اند که امروز از گران بها ترین آثار قدیمه بشمار می آید.

در جنب این سلطان پسرش بایزید ثانی قرار گرفته و میتوان گفت که لباس او چندان بایدرش فرق و تفاوتی ندارد خنجرش مثل او مرصع بالماس و زمرد قیمتی میباشد

ولی سلیم اول از تمام اسلافش ساده تر است و جز يك گلی که از جواهر بر عمامه اش ترصیع شده اثری از جواهر در ملابس او دیده نمیشود خنجر این پادشاه نیز خالی از هر گونه ارایش است

این سادگی از سلطان سلیمان قانونی تا احمد اول مانند حلقه زنجیر بهم اتصال دارد، ولی از آن ببعد که دوره ضعف و انحطاط است تجمل و آرایش ظاهری فزونی گرفته چنانکه در پهلوی مثال سلطان احمد دودولابچه بر از شمشیرهای مرصع گران بها دیده میشود

این شمشیرها در زمان عبدالحمید ثانی از قصر یلدز بخزانه‌های یونانی انتقال داده اند

سایر سلاطین از عثمان جوان تا محمود ثانی در دست راست قرار گرفته اند و همه بالبسه قدیم عثمانیان ملبسند که تمامی آن مکلل بجواهر بی مثل و مانند میباشد

ما بملاحظه اختصار از شرح وضع و حالت هر يك بطور جدا گانه خود داری نمودیم

بعد از محمود ثانی دوره البسه مخصوص عثمانیها خاتمه پیدا میکند و نوبت

بقرم اروپائی میرسد

مهمتر چیزی که در این سالون اخیر بنظر میرسد تخت شاه اسماعیل صفوی

است که سلطان درجنگ چالدران بغنیمت برده است

این تخت سفید رنگ و مرصع باحجار و جواهر قیمتی است

خلاصه آثار گران بها و جواهر قیمتی این سالون بدرجه زیاد است که

عقل را حیران و چشم را خیره مینماید و اگر انسان بخواهد دیده های خود را

از تماشای طرفه های آن راحت داده و متوجه سالون مقابل شود باز همان اندازه چشمش را خیره مینماید،

زیرا سالون جدید با اندازه پیر از ظروف مرصع و جواهری مثل و مانند است که از حد تصور خارج است

از بین هزار ها چیز که در این سالون نظر نکارنده را (۱) جلب نمود قندیلی است که سلطان سلیم اول از مصر غنیمت آورده است،

این قندیل متعلق به ناصرالدین بن محمد پادشاه مصر بوده و در روی آن ان تاریخ ذیل منقور بود

(۴۸۴ - ۷۷۲). باز در این اطاق تخت سلطان مراد رابع دیدد

میشود که تمام از طلا ساخته شده و یک تخت دیگر موجود است

که تمام بجواهر نفیسه و احجار کریمه مرصع است و یک ستاره از

زمرد از سقف این تخت آویزانست که میگویند قیمتش از دایره تصور انسان خارج است

۲۶۰

یکی از دولابچه های این اطاق محتوی نشان های عثمانی و اجانب است

که سلاطین عثمانی زیب بیکر و سینه های خود مینموده اند

هم در این اطاق انسان به هدیه که کاترین امپراطریس روس برای بالکاجی

پاشا فرستاده مصادف میشود دیگر از محتویات این اطاق چهار طغرای مذهب

است که متعلق به سلطان سلیمان. مراد ثالث. سلیم ثانی. و مصطفاء ثالث

بوده است

زنان مشهور

* (۲) *

صبیحه

ابن ابی عامر میدانست که خلیفه متحرك با اذات نیست و این صبیحه

(۱) چون نکارنده مصری بوده این قندیل بیش از همه چیز او را گرفته است